

به آنچه خدا و پیغمبر خشنود باشند خشنودم

یک روز علی علیه السلام دلش به حال همسر عزیزش سوخت، دید رفت و روب خانه و کارهای آشپزی جامه های او را غبار آلود و دودی کرده، بعلاوه از بس که با دستهای خود آسیاب دستی را چرخانیده دستهایش آبله کرده و بند مشک آب که در مواقعی به دوش کشیده و از راه دور آورده روی سینه اش اثر گذاشته است. به همسر عزیزش پیشنهاد کرد به حضور رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) برود و از آن حضرت، خدمتکاری برای کمک خودش بگیرد. زهرا (سلام الله علیها) پیشنهاد را پذیرفت و به خانه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) رفت... پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل درخواست آنها فرمود: «میل دارید چیزی به شما یاد بدهم که از همه این ها بهتر باشد؟» - بفرمایید یا رسول الله!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر وقت خواستید بخوابید، سی و چهار مرتبه ذکر الله اکبر، سی و سه مرتبه ذکر الحمد لله و سی و سه مرتبه ذکر سبحان الله را فراموش نکنید. اثری که این عمل در روح شما می بخشد، از اثری که یک خدمتکار در زندگی شما می بخشد بسی افزون تر است.» زهرا سلام الله علیها با خوشحالی و نشاط سه بار پشت سرهم گفت: «به آنچه خدا و پیغمبر خشنود باشند خشنودم.»

[بحار الانوار ج ۱۰، ص ۲۴ و ۲۵]

دوری کنید، دوری کنید!

امام صادق علیه السلام می فرمایند: رفقای خود را به دو چیز امتحان کنید: اگر این دو خصلت در آنها هست رفیق باشید، اگر نبود از آنها دوری کنید، دوری کنید. حضرت دو مرتبه می فرماید دوری کنید. اول: ببین این رفیق اول وقت مقید به نماز هست یا داره کاسبی میکند؟ یا مباحثه می کند؟ دوم: در موقع داری و نداری خوبی می کنه به دوستان؛ تا می بیند رفیقش می خواد دختر عروس کنه فوری میره یک قالی ماشینی می گیره میاره دم خورش، یا می بیند چکاش عقب افتاده می گه غصه نخور من می دم حالا بعدها بهم بده. ولی اون می گه همین جور نگاه میکنه، می بیند همسایه پول نداره دوسیر گوشت بخره، با این همه ثروت، نمیره یک کیلو گوشت بخره بده (به این آدم فقیر) اینا نه بو دارن نه خاصیت، خوب به چه درد میخورن! نه دنیا دارن نه آخرت. با کسانی که کمک به فقرا نمی کنند رفیق نشید.

[پیاده شده از نوار صوتی درس اخلاق آیت الله مجتهدی تهرانی (ره)]

[برداشت از سایت <http://mojtahedi-tehrani.com>]



محبت و همدلی

یک روز در اردوگاه شهدای خیر قرار بود آقا مهدی (باکری) برای بازدید تشریف بیاورند. همه صف کشیدیم؛ گردان، گروهان، دسته و ... فرمانده لشکرمان آمد؛ آقا مهدی مقابل نیروهای گردان خط شکن حرکت می کرد. گاهی می ایستاد و با نیروها صحبت می کرد؛ از اسلحه ای که رزمندگان در دست داشت و از کاربرد آن پرسید. گاه گوشه یقه رزمندگان ای را که تا خورده بود با آرامش درست می کرد. یک بار هم زمین نشست و بند پوتین یکی از رزمندگان را که زیادی بلند بود یک گره اضافی زد. کجای دنیا می شد فرماندهی مثل فرماندهان ما پیدا کرد؟ او همزمان به ما دو درس بزرگ داد: درس نظم و آمادگی و درس محبت و همدلی بین سپاه اسلام. در مقابل این خلوص و محبت، بچه ها حاضر بودند جانشان را هم برای اجرای دستورات فرماندهانشان بدهند و می دادند.

[معمومه سپهری، نورالدین پسر ایران - خاطرات سید نورالدین عافی - چاپ سی و پنجم، ص ۱۷۶]



سوال

اگر در چیزی شک داشته باشیم که خمس آن را داده ایم یا خیر، ولی ظن غالب به پرداخت خمس آن باشد، وظیفه ما چیست؟

جواب

اگر مشکوک از چیزهایی باشد که خمس به آن تعلق گرفته است، تحصیل یقین به پرداخت خمس آن واجب است.

(استفتائات مقام معظم رهبری امام خامنه ای در سایت معظم له به آدرس: leader.ir)